

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پلاتون [افلاطون] بسدین (Platon BESEDIN)

برگردان: ا. م. شیری

۱۲ جولای ۲۰۲۴

طرح دالس



[همین برادران دالس -آلن، رئیس سازمان «سیا» و جان فاستر، وزیر امور خارجه آمریکا بودند که در سال ۱۹۴۸ یک سازمان مخوف به نام سازمان جهانی بهداشت را با طرح مافیای بنیاد راکفلر و با پول آن ساختند و به واسطه آن کل نظام بهداشت و سلامت، سازمان غذا و داروی جهان را به زیر سلطه آن درآوردند. این سازمان مافیایی توانست با استفاده از موقعیت جهانی سازمان ملل متحد، خانه نظام پزشکی ناظر بر پیشگیری از بیماری‌ها، موسوم به طب شرقی را در سراسر جهان در هم بکوبد، ویران سازد و به جای آن پزشکی ناظر به درمان و معالجه، مشهور به طب غربی را بنشانند و سلامتی نوع بشر را به کالای قابل فروش تبدیل نماید. متأسفانه، هنوز هم هیچ یک از کشورهای جهان همانطور که نتوانسته از زیر سلطه دالر کاغذی ۱۲ بانک خصوصی آمریکا موسوم به بانک فدرال رزرو خارج شود، هیچ اقدامی برای خلاصی از سلطه سازمان مافیایی جهانی بهداشت نیز به عمل نیاورده است.] - شیری

به این یا آن طریق، روش‌های تخریب کشورها و جوامع در سراسر جهان کار می‌کند. برنگاشت این متن کوتاه عبارتی از کتب درسی خواهد بود، که از فلم کم‌دی «پرسنل نظامی مدرن» [محصول سال ۲۰۰۰ - روسیه] اخذ شده شده است. یک سرباز کارآموده از یک سرباز جدید می‌پرسد: «سنباب را می‌بینی؟ - نه، من نمی‌بینم، اما او آنجاست!»، در واقع، موضوعات مرتبط با «طرح دالس» افسانه‌ای نیز همین‌طور است. چند نسخه از این متن نابود شده است، چقدر دندان به خاطر آن خرد شده است! اما صدای دندان قروچه هنوز شنیده می‌شود و نبرد ادامه دارد. با این حال، نکته اصلی این است که در «طرح دالس» بیش از هر سندی راجع به نابودی

روسیه [و نه تنها روسیه] گفته شده است. از آنجائی که آن‌ها برای نابودی روسیه و روس‌ها مرتباً تلاش می‌کنند، یادآوری‌های مکرر بسیار زیادند.

برخی‌ها از «طرح دالس» به عنوان یک سند واقعی یاد می‌کنند. برخی‌های دیگر با پوزخند آن را ساختگی و محصول نظریه‌پردازان تئوری توطئه می‌دانند. در واقع، اولی‌ها و دومی‌ها هر دو بر اساس الگوهای تقریباً یکسان عمل می‌کنند و در هسته خود تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

لازم به یادآوری است که «طرح دالس» به آن دالس نسبت داده می‌شود. او در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۶۱ قرن گذشته ریاست «سیا» را بر عهده داشت. او به همراه رفقاییش برنامه‌ای را با نکات مرتبط برای زوال اخلاقی اتحاد جماهیر شوروی از داخل تهیه کردند. در این زمینه، این عبارت هنوز به ذهن متبادر می‌شود: «روسیه را نمی‌توان از نظر نظامی شکست داد، اما می‌توان آن را از درون - از نظر اخلاقی - نابود کرد». همچنین، شورای امنیت ملی امریکا نیز یک «طرح» با عنوان یادداشت ۲۰/۱، «وظایف مربوط به روسیه» به تاریخ ۱۸ اگست ۱۹۴۸ دارد.

«طرح دالس» در اوایل دهه ۱۹۹۰ اذهان عمومی را فراگرفت. جالب توجه این است که همراه با آن، «پروتکل‌های بزرگان صهیون» - یک «سند» دال بر توطئه مخفیانه صهیونیست‌ها برای به بردگی گرفتن هوشمندانه غیر یهودیان و کل جهان مثل بمب ترکیب در آن زمان، از قضا، کتاب‌های گریگوری کلیموف: [Grigory Klimov] «شاهزاده این جهان»، «مردم خدا»، «پروتکل‌های خردمندان شوروی» و دیگران، که در باره پرورش و قدرت فرومایگان صحبت می‌کنند، بسیار محبوب شدند.

و اینجاست که یک تله خطرناک پدید می‌آید - به همین دلیل است که گفتیم هم کسانی که وجود «طرح دالس» را کاملاً انکار می‌کنند و هم آن‌هایی که در بودن آن یقین دارند، مثبت یا منفی، در یک طرف هستند. ترفند این است که هر دوی آن‌ها ضمن پنهان کردن مشکل، اهمیت موضوع را به نسبت‌های کوتوله محدود می‌کنند. اولی‌ها می‌گویند: توجه کنید، امریکا تصمیم گرفته همه ما را نابود کند و ما را به بردگی بکشد، ما را فریب دهد، ما را از نظر اخلاقی فاسد کند و غیره. آن‌ها با این گفته، از خود سلب مسؤلیت می‌کنند. اما طرف مقابل طعنه می‌زنند، طعنه سوزاننده تمرین می‌کند: «اوه، دوباره این نظریه‌پردازان توطئه» - چه می‌گوئید، ماسون‌ها، خزنده‌های انسان‌نما، دانش مخفی از آخناتون؟ [از فراعنه مصر باستان]. «چه مزخرفاتی!» و در این صورت، فردی که به مشکلات واقعی، انحطاط فکری و اخلاقی کشور و مردم می‌اندیشد، با دیوانه‌ها و نیمه‌دیوانه‌ها هم‌تراز می‌شود.

واقعیت این است که هر دو در نوع خود، هم درست است و هم غلط. به خاطر دارید که لو تولستوی [Lev Tolstoy] در دفتر خاطرات خود چه نوشت؟ او نوشت: «من به طور جدی متقاعد شده‌ام که دنیا را افراد کاملاً دیوانه اداره می‌کنند. آن‌هایی هم که دیوانه نیستند، یا اجتناب از مدیریت می‌کنند یا نمی‌توانند در آن شرکت کنند». واقعیت این است که شاید چیزی به نام «طرح دالس» وجود نداشته باشد. این سندی نیست که به طور مصنوعی درست شده و مخصوصاً نوشته شده باشد. آن، در آزمایشگاه ساخته شده است. همه این‌ها درست، اما...

«طرح دالس» یک مجموعه مرکب از روش‌ها، مکانیسم‌ها و قوانینی است که طی سال‌ها و قرون متمادی توسعه یافته و همیشه علیه روسیه [و نه فقط روسیه] بوده است. این طرح به طور کلی، به خودی خود شکل گرفت و از مسیر و منطق تاریخ پیروی کرد. در این باره هیچ تئوری توطئه‌ای صدق نمی‌کند، همانطور که مثلاً در مبارزه با شکارچیان در جنگل صدق نمی‌کند. تیغ اوکام: مبارزه برای منابع، سرزمین‌ها، مردم، ذهن‌ها - این واقعیتی است که ما در میان آن زندگی می‌کنیم. چیز دیگری برای ما نیندیشده‌اند. و بعید است که این طرح یک زمانی حتی اگر

ارزش داشته باشد بشریت یک دیگر را نکشند، بلکه مشکلات واقعاً مهم و اساسی را حل کنند، ظاهر شود [تیغ اوکام، منسوب به ویلیام اوکام، فیلسوف و منطق‌دان انگلیس].

بنابراین، روش‌هایی که در «طرح دالس» گنجانده شده است، در سراسر جهان کار می‌کنند. آن‌ها مؤثر هستند، به همان اندازه مکانیسم‌های «میدان انقلاب‌های رنگی» مؤثر هستند – هر چند وقت یکبار آن‌ها با موفقیت در بسیاری از کشورها اجراء می‌شوند و مردم از آن‌ها پیروی می‌کنند. اما، مکانیسم‌های اخلاقی و روانی حتی عمیق‌تر و بسیار مؤثرتر عمل می‌کنند. به عنوان مثال، بسیاری از آن‌ها را فنودور داستایوفسکی [Feodor Dostoevsky] در رمان «دیوها» توصیف کرده است. به طور کلی، در این مورد کلاسیک‌ها سخنان زیادی گفته‌اند. حتی در کتاب‌های ساده و پیش از همه، در کتاب‌هایی مانند «شاهزاده این جهان» یا «روانشناسی ازدحام» نیز زیاد نوشته شده است. ما در دنیای زندگی می‌کنیم که هر کسی کوشش می‌کند دیگری را تابع خود سازد. مبارزه برای قدرت یک زیستگاه طبیعی است. اما، با گذشت هر قرن شکل آسیب‌شناسی به خود می‌گیرد. زیرا، از روش‌های غیرانسانی فزاینده استفاده می‌کند. این که از طریق بستن زبان، فساد، انحطاط و بدوی کردن همه چیز تحقق می‌یابد، تبعیت واقعی است. می‌توان وانمود کرد و در مورد «تئوری توطئه» پوزخند زد، اما فاجعه این است که آن به این یا آن شکل عمل می‌کند. نه به خاطر این که کسی آن را ابداع کرده است، بلکه به این دلیل که «همه چیز قبل از ما اختراع شده است».

این به طور کلی یکی از ویژگی‌های دنیای مادی ما است – دیر یا زود، از این جنبه یا جنبه دیگر، به تناسب دنیای اطلاعات آن را قالب‌بندی می‌کند. تز ابدی اسکار وایلد چنین است: «زندگی فقط هنر را تقلید می‌کند». اگر وسیع‌تر بنگریم، «زندگی» (یا آنچه ما آن را زندگی می‌نامیم) به شیوه عجیب خود را با آنچه در مورد آن نوشته شده، گفته شده یا نشان داده شده تنظیم می‌کند. اطلاعات را به واقعیت تبدیل می‌کند – به بیان کاملاً ابتدائی و خام، آن را بسیار ساده می‌کند. در مورد «طرح دالس» می‌توان بارها و بارها پوزخند زد، ریشخند زد، اما فاجعه این است که واقعاً وجود دارد و کار می‌کند، هر چند اصلاً ساخته نشده باشد.

چگونه کار می‌کند؟ مثل اختاپوس. به عنوان مثال کافی است در مورد رابطه سازمان سیا و هنر معاصر، کار سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های اعطاکنده کمک مالی مطالعه کنید، صادقانه بگویند که چه ارزش‌ها و چه معانی تبلیغ و ترویج می‌شود و چرا میلیارد‌ها دالر با کمال میل به آن‌ها اختصاص داده می‌شود، اما افراد، جنبش‌ها، پروژه‌هایی که در یک سیستم با مختصات متفاوت تعریف شده‌اند یا نابود می‌شوند یا خاموش می‌گردند. کافی است با خواندن کتاب «آسایشگاه انضباطی»، اثر ادوارد لیمونوف [Eduard Limonov] شروع کنید، جایی که او در این باره بسیار و کامل صحبت می‌کند. اما وانمود کنید که یک فرد مترقی هستید و به «تئوری توطئه» اعتقادی ندارید. به این می‌ماند که لباس شترمرغ به تن کنی، سرت را نه حتی در ماسه، بلکه در آسفالت فرو کنی.

طرح دالس یک افسانه است که واقعیت یافته است، یکی واهی است که واقعاً می‌بلعد و تحت سلطه قرار می‌دهد. خوب، به عنوان سخن آخر – از آنجائی که یک نوشتار وجود دارد، باید یک پس‌گفتار هم وجود داشته باشد. می‌توانید از عبارت نمادین ویکتور پلین [Victor Pelevin] استفاده کنید: «توطئه ضد روسی قطعاً وجود دارد – تنها مشکل این است که کل جمعیت بزرگسال روسیه در آن شرکت می‌کند». با یک اصلاحیه – نه همه، بلکه بسیاری‌ها، و این برای ما فرصت فراهم می‌کند. بعداً به تفصیل درباره نحوه افزودن «طرح شوم دالس» به داستان‌های تخیلی خواهیم پرداخت.

تذکر: به منظور کمک به تسهیل خواندن، نکاتی را در میان [...] اضافه کرده‌ام.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۱ تیر- سرطان ۱۴۰۳